



هنر استراتژیک

استراتژی هنری



فروردین ماه ۱۳۹۱

www.fathian.ir
info@fathian.ir

- هنر چیست؟
- استراتژی چیست؟
- هنر استراتژیک چیست؟
- استراتژی هنری چیست؟
- هدف از تبیین هنر استراتژیک ، استراتژی هنری چیست؟

هنر چیست؟

واژه هنراز کدامین ریشه می آید؟

هنراز ترکیب (هان + هر) ساخته شده است.
هان یک واژه بنیادین در زبان بشر است که بمعنی (آگاهی داشتن / آگاه بودن / هشیار بودن) است.
(هان) بمعنی (آگاهی داشتن / آگاه بودن / هشیار بودن) در زبان فارسی عامیانه بجای کلمه (آری / بلی) بطور گسترده‌ای بکار می‌رود؛ البته در بسیاری موارد به (ها) خلاصه می‌شود اما در جمع، بمعنای اعلان آگاه بودن است.
هنر = نَر در ادبیات و هنر ایران باستان بمعنی هُ = نیک و نَر = کننده کار نیک.
هنر بمعنای حُسن و فضیلت نیز آمده است.

در جای جای اندیشه و هنر مشرق زمین، هنر خوبی و نیکی معنا شده است و یا (مجموعه سجایای روح آدمی) را هنر گویند.
در زبانهای هند و اروپائی نیز مشتقاتی از کلمات HON و HUN بمعنای (دانا / فاضل / عاقل) بکار برده می‌شوند. بطور مثال، در زبان انگلیسی به زنبور عسل گفته می‌شود HONEY.BEE: که در اصل بمعنای (زنبور هنرمند) است.
هنر یک واژه کهن اوستائی است و در زبان فارسی از پیشوند «هو» بمعنی خوب و واژه «نر» بمعنی مردانگی و توانایی پیوند یافته و «هونر» بمعنی «خوب توانی» بکار رفته است.

در زبان یونانی واژه برای هنر نیست و در زبانهای فرنگی واژه «آرت» که امروز بکار می‌برند بمعنی صنعت است و در معنی هنر تازه بکار رفته است و برای معنی هنر رسا نیست. در زبان عرب نیز واژه برای هنر نیست و برای هنر واژه «الفن» را که از فارسی گرفته اند بکار می‌برند و بدان «الفنون الجمیله» گویند و به هنرمند «فنان».

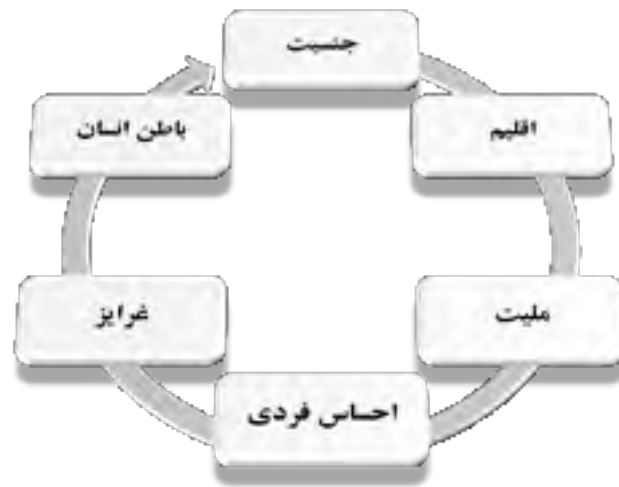
واژه هنر در زبان سانسکریت، ترکیبی از دو کلمه سو به معنی نیک و نر یا نره به معنای زن و مرد است. در زبان اوستایی سین به‌ها تبدیل شده و واژه هونر ایجاد گشته است که در زبان پهلوی یا فارسی میانه به شکل امروزی (هنر) در آمده است که به معنای انسان کامل و فرزانه است.

تعریف هنر:

مجموعه‌ای از آثار یا فرآیندهای ساخت انسان است که در جهت اثرگذاری بر عواطف، احساسات و هوش انسانی و یا به منظور انتقال یک معنا یا مفهوم خلق می‌شوند. همچنین هنر وسیله‌ای است برای برانگیزاندن حس و اندیشه و انتقال خلاقانه و غیر مستقیم این هر دو، بگونه‌ای که حمل بر معرفتی زیبایی شناسانه شود.

چرنیفسکی می‌گوید: هنر، منعکس کننده زندگی است. مفهوم زندگی، زندگی زیبا و زندگی آنطور که باید باشد، برای افرادی که متعلق به طبقات مختلف اجتماع اند، یکسان نیست و از دیگر سو، پلخائف بیان می‌دارد که: هنرنحوه تلقی از زندگی است و تصور و مفهوم زیبایی، با جریان رشد اقتصادی جامعه، تغییر می‌کند.

هنر آنچنان که با زیبایی و احساس ارتباط جوهری دارد، با مفهوم اقتصاد طبقات نسبت شکلی دارد.

هنر متاثر از چیست؟**هنر اثر جنسیت است.**

فروید اتریشی هنر را زاده عقده‌های جنسی و فعالیتی در قلمرو جنسی میدانند و شیلر و اسپنسر هنر را از زمره بازی بشمار آورده‌اند و عقیده دارند هنر غریزه بازیگری آدمی را ارضاء میکند و انگیزه هنر آفرینی میشود.

هنر اثر اقلیم است.

مادام دوستال نویسنده فرانسوی عقیده دارد هنر آفرینی زاده تأثیر آب و هوا و محیط است.

هنر اثر ملیت است.

هیپولیت تن نیز عقیده دارد آثار هنری زاده عاملها و خصوصیت‌های نژادی و محیط طبیعی انسانی و نمودهای تاریخی است.

هنر اثر احساس انسانی است.

گیو انگلیسی هنر را معیار احساس و ذوق زیباپرستی را در هیجانهای غریزه زندگی دانسته است.

هنر اثر غرایز درونی است.

دانشمندان دیگری عقیده دارند هیجانهای درونی که ریشه غریزی و گاه غریزه جنسی دارد موجب انفعال و تحرک نفس برای هنر آفرینی میشود و برخی انگیزه هنر آفرینی را یک ودیعت الهی دانند که بمیراث به آدمیان رسیده است.

هنر اثر حالات باطنی انسان است.

شارل بودلر شاعر فرانسوی عقیده دارد تحرک باطنی از حواس ظاهر و باطن و جنبش‌های نفسانی سرچشمه می‌گیرد.

در ادبیات ایران در دوره اسلامی این معنا دوباره دگرگون شد، و هنر به معنای کمال، فضیلت، هوشیاری، فضل، تقوی، دانش و کیاست و... به کار رفت، که دارای بار معنایی عام بود.

هنرمند کیست؟

هنرمند کسی است که، وحدت نگاه خود را، بر کثرت نگاه ما، منطبق می کند. اجزای پراکنده حس و اندیشه و نسیت زیبایی شناسانه را به زندگی، در پدیده ای چند بُعدی و بگونه ای متحد و متشکل، به ما می نمایاند.

هر کس که فعل هنری از او سر می زند، هنرمند نیست. ولی لزوماً از هر هنرمندی فعل هنری تراوش می کند.

یک هنرمند ممکن است خواننده هم باشد، ولی یک خواننده لزوماً هنرمند نیست.

طبیعت، زندگی، اجتماع و ابعاد بیرونی و درونی، این هر سه، بستر کار هنرمند است.

جهان پیچیده و هزار توی آن، معرفتی را می طلبد، که هم در سطح و هم در عمق، آن را بنگرد و این نگاه، همان کار هنرمند است.

هنرمند آدمی ست مثل آدمهای دیگر، اما سعی می کند بیشتر بداند، بیشتر بفهمد، عمیق تر حس کند و ابعاد ندیده جهان پیرامون را دیده و کاوش کند و آنگاه، یافته های خویش را سوار بر کشتی حس برانگیز و خیال پروری که رو به سوی هدف و منظوری دارد، به دریای وجود ما بیندازد.

هنرمند، او جراح زندگی است و هم خالق آن.

هنرمند، جراحی است با خاستگاه و خواستگاه مشخص اقتصادی - اجتماعی، که سعی در متبلور کردن کیفیتی حسی هوشمندانه متفکرانه و زیبایی شناسانه و جهت دار، در پدیده ای بدیع دارد. پدیده ای که آن را هنر می نامیم و خالق آن را؛ هنرمند!

آثار هنری را به سه دسته تقسیم می کنند:



هنرهای کاربردی

منظور از هنرهای مفید هنرهایی است که نخست کارکرد و سودمندی آنها اهمیت دارد و هدف از خلقشان کاربردشان بوده است. مانند: طراحی خودرو، معماری، طراحی لوازم خانه، سینما.

هنرهای تجسمی

منظور از هنرهای تجسمی هنرهایی است که تنها به دلیل زیبا بودنشان خلق شده‌اند. به عبارتی «نه به خاطر چیزی دیگر، بلکه به خاطر خودشان به وجود آمده‌اند». مانند: نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، رقص
واژه هنر امروزه در زبان فارسی معنایی در معنایی متفاوت از گذشته به کار می‌رود و بیشتر منظور از آن اشاره به نتیجه خلق انسان‌ها در زمینه هنرهای زیبا است. معنای این واژه امروز معادلی برای واژه FINE ARTS در زبان انگلیسی است.

مجموعه هنرهای تجسمی به چند دسته تقسیم می‌شوند:

- موسیقی
- هنرهای دستی مانند مجسمه‌سازی، شیشه‌گری، و...
- هنرهای ترسیمی شامل نقاشی، خطاطی، عکاسی، و...
- ادبیات شامل شعر و داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و نثر
- معماری
- رقص و حرکات نمایشی
- هنرهای نمایشی شامل سینما، تئاتر، و...

هنرهای صناعی

هنرهای صناعی یا سنتی، هنرها و صنایع ظریفه‌ی هستند که در طول سده‌های متمادی با حفظ ریشه‌ها و سنت‌های خود رشد کرده مراحل شکل‌گیری خود را گذرانده یا می‌گذرانند.

- شعر و ادبیات
- موسیقی
- معماری و هنرهای وابسته
- نمایش‌های سنتی و آیینی
- صنایع مستظرفه (که بجز موارد بالا همه آثار هنری را شامل می‌شود)
- معمولاً از عبارت هنرهای صناعی برای بیان آن بخش از صنایع دستی که بیش از فن به هنر وابسته‌اند استفاده می‌شود.

وجوه مشترک آثار هنری عبارت‌اند از:

- تخیل به عنوان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری اثر هنری است
 - همه آثار هنری از عاطفه و احساس هنرمند سرچشمه می‌گیرند نه از تفکر منطقی و عقلانی او
 - چندمعنایی بودن و منشور ماندی، وجه اشتراک سوم تمام آثار هنری است.
- این جنبه از خصایص آثار هنری، در واقع از دو ویژگی قبلی که برشمردیم، نتیجه می‌شود. بدین معنی که هر پدیده‌ای که عنصر اصلی

سازنده آن تخیل و عاطفه باشد، بی شک نمی تواند معنایی منجمد و تک بعدی داشته باشد. از این روست که هر کس در برابر آثار هنری می ایستد، دریافت و استنباط خاصی دارد.

هنرمندان چند گونه اند.



افراد مردم را می توان به دو گروه تقسیم کرد :

گروه اول کسانی که به موجودات طبیعت نگاه میکنند و آنها را بخوبی می بینند .
گروه دوم، تنها به نگاه کردن اکتفا میکنند و چون نگاه آنها سطحی است آنطور که باید اشیاء و موجودات را نمی بینند و از زیباییهای طبیعت نیز بی خیرند .

دسته ی اول کارشان دیدن، درک کردن، آزمودن و خلق کردن است (هنرمندان از این گروهند).
والبته از این گروه عده ای هستند که، می بینند، درک میکنند، می آزمایند و دنبال شناخت هنر می روند، ولی قدرت آفریدن و به وجود آوردن ندارند(اینها دوستداران هنر می باشند).

طبقه بندی هنرمندان

از نظر کلی هنرمندان به سه دسته تقسیم می شوند و هر سه دسته بطریقی به بیان هنری می پردازد.

دسته ای از هنرمندان صرفاً از طبیعت تقلید می کنند و کارشان الگوبرداری از طبیعت است .
دسته ای دیگر به تفسیر طبیعت می پردازند و آنرا از صافی ذهن روشن خود می گذرانند و دگرگونی در آن بوجود می آورند.
دسته ی سوم از تقلید و تفسیر بیزارند و کارشان تنها آفریدن و خلق کردن است، آنهم برداشت های خود از درون

هنر و حقیقت

- برخی گمان دارند هدف هنر حقیقت جوئی است .
- برخی گمان دارند هدف هنر زیبایی است .

ارنست رنان منتقد فرانسوی میگوید: «زیبائی به همان اندازه حقیقت و نیکی دارای اهمیت و ارزش است.» از اینرو زیبایی خود برای هنر هدفی است والا.

استراتژی (چشم انداز) چیست؟

ریشه واژه «استراتژی» واژه یونانی «استراتژیا (STRATEGIA)» به معنای «فرماندهی و رهبری» است. اکنون معنای ساده استراتژی عبارت است از یک طرح عملیاتی به منظور هماهنگی و سازماندهی اقدامات برای دستیابی به هدف.

استراتژی بخش کلان فرماندهی و مدیریت و تاکتیک بخش راهکارهای یک هدف می باشد.

از ابتدای قرن بیستم با ظهور واژه «خط مشی و سیاست ملی» استراتژی در جایگاهی بین تاکتیک و سیاست ملی قرار گرفت. این وضعیت موجب شد تا تعاریف سیاست ملی، استراتژی و تاکتیک در دوران جنگ جهانی اول که از گستردگی زیادی برخوردار شود.

در پاسخ به این امر واژه و مفهوم جدیدی یعنی واژه «استراتژی کلان (GRAND STRATEGY)» ظهور کرد که در واقع به نوعی ترکیب مفهوم استراتژی و سیاست ملی بود. استراتژی کلان مفهومی بود که در چارچوب آن استراتژی های بخشی همچون استراتژی نظامی، استراتژی اقتصادی، استراتژی سیاسی و استراتژی تجارت کشور قرار می گرفت.

اگر مجموعه ای از آگاهیها و اطلاعات منظم درباره یک یا چند موضوع را (علم) بنامیم و مهارت به کارگیری علم در صحنه عمل نیز (هنر) باشد، استراتژی؛ آگاهیهای منظمی است که نحوه به خدمت گرفتن قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را برای رسیدن به هدفهای مورد نظر نشان می دهد. بنابراین، استراتژی علم است؛ اما همه کسانی که از علم استراتژی آگاهی دارند، قادر نیستند آن را به کار گیرند، فقط کسانی که مهارت کافی در این زمینه دارند، می توانند از استراتژی استفاده کنند، پس به یک معنا، استراتژی نوعی هنر است. خلاصه آنکه، استراتژی هم علم و هم هنر است.

مراحل تبیین چشم انداز (استراتژیک)



ساختار استراتژی سه بخش است:



مفاهیم مرتبط و نزدیک به استراتژی:

الف: استراتژی (چشم انداز):

بر اساس اهمیت و گستره منفعت ملی و فرا ملی و همچنین دورنمای بلند مدت تبیین می گردد.

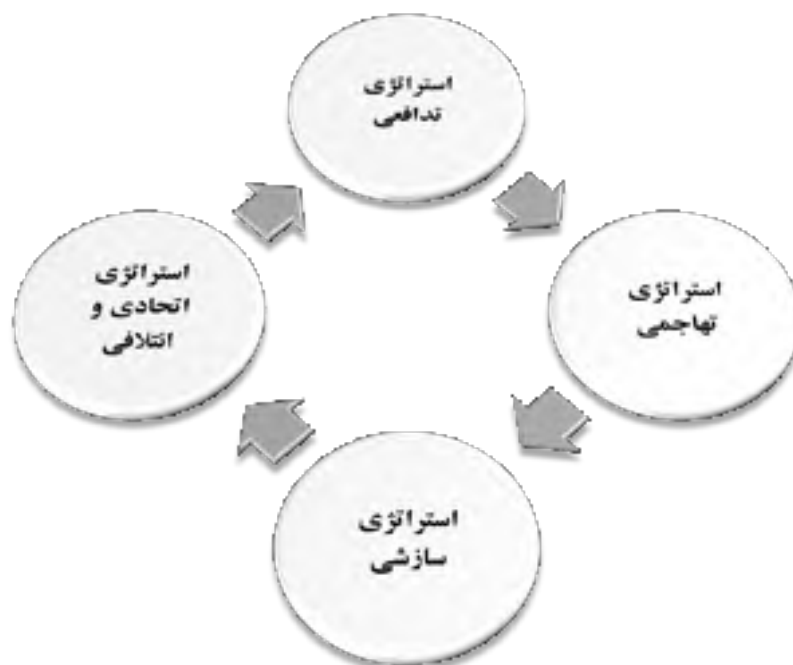
ب: تاکتیک: تاکتیک به روشهایی گفته میشود که به وسیله آن، استراتژی به اجرا در میآید تا به هدفهای مورد نظر برسد. بنابر این، تاکتیک، جزئی از استراتژی و در خدمت آن است. علاوه بر این، استراتژی یک هدف کلی است که در دراز مدت قابل دسترسی است، در حالی که تاکتیک در کوتاه مدت تحقق می یابد.

ب: موضوع استراتژیک: کلمه (استراتژیک) در لغت به معنای مهم است، موضوع استراتژیک از اهمیت های زیر می تواند برخوردار باشد. در تقسیمی که برای موضوع استراتژی در نظر میگیرند، واژه (سیاست ملی) در رأس آن قرار دارد. سیاست ملی با

(استراتژی بزرگ)، (استراتژی همه جانبه) و نظایر آن مترادف می باشد و به معنای بسیج و هدایت همه امکانات کشور برای نیل به خواسته های ملی است. برای دستیابی به اهداف و منافع ملی از استراتژی ها به صورت مرکب و یا جداگانه استفاده میشود، که در دنیای امروز عمده تصمیم گیری ها بر مبنای استراتژی های مرکب است.



انواع استراتژی:



هنر استراتژیک چیست؟

هنر غیر استراتژیک

در هنر غیر استراتژیک، هنر، عرصه حدیث نفس انسان است و هنرمند، نفس خودش را به گونه‌ای بازتاب بیرونی می‌دهد. در این نگاه، انسان هنرمند قصد دارد دیگران را با منیت درون و با دنیای کاملاً خاص و شخصی‌اش آشنا کند. این مدل از هنر حدیث نفس، هنر جزئی‌نگری و هنری که ریشه در نفسانیت فرد هنرمند دارد.

هنر غیر استراتژیک کم‌اثر، با برد کوتاه، زود بازده و برای جامعه هدف کوچک و هدف کوتاه مدت و گاهی میان مدت انتخاب می‌شود.

هنر استراتژیک

هنر استراتژیک به اثر هنری گفته می‌شود که حاوی پیامی برای مخاطب عام یا خاص هست. این پیام برخلاف ژورنالیسم که به صورت غیز مستقیم القا می‌شود و در بیشتر اوقات اثر بیشتری بر مخاطب می‌گذارد و تا وقتی که فرد به آگاهی برسد و پیام نهفته در هنر استراتژیک رو درک کند به او زمان انتخاب می‌دهد.

هنر استراتژیک پراثر، با برد بلند، دیر بازده و برای جامعه هدف بزرگ و برای هدف بلند مدت انتخاب می‌شود.

هنر استراتژیک، هنری است که به لحاظ موضوع، ساختار و نگاهی که نسبت به آینده دارد حرفی جهانی و مهم را عرضه می‌کند. حرف جدی برای فرجام دنیا، آینده بشر، نسبت انسان و جهان پیش روی او، دارد، به این لحاظ بخش عمده صفت استراتژیک بودن در ذات هنر استراتژیک وجود دارد

هنر در اصالت خود، استراتژیک است، زیرا در نگاه استراتژیک به فرجام بشر و برنامه داشتن برای آینده تاریخ و سکانس آخر هستی و همچنین نیازمندی‌ها و نیازسنجی‌های نوع بشر در ادوار مختلف برای زندگی امروزی می‌اندیشد.

این پدیده به هردو صورت تخریبی و سازنده نمود دارد و هر کی به زیر بنای سه گانه هدف، منابع و تاکتیک دستیابی داشته باشد، به استراتژی هنری مجهز شده است.

استراتژی هنری چیست؟

این مبحث پیرامون کيله اهداف کلان برای چشم انداز های ملی و فراملی با رویکرد فرهنگی و هنری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف اصلی این مبحث عمدتاً برای ایجاد و یا ابقاء تمدن های فرهنگ ساز و جریان سازی های فرهنگی و هنری بین المللی جهت نفوذ و ماندگاری می‌باشد. کانون های هنری و فرهنگی در سراسر جهان با استفاده از اهرم های هنری و داده های فرهنگی به حضور در عرصه های فرامنطقه ای دست می‌یابند.

داشتن برنامه، سمت و سو، شناسایی و ایجاد امکانات، تشخیص چالشها و موانع، آماده سازی منابع انسانی و پژوهش های میدانی پیرامون اهداف خرد و کلان که ترسیم کننده چشم انداز های ملی و فراملی می‌شوند، همه و همه بیانگر نگرش استراتژیک به مقوله

هنر برای پیشبرد کلان اهداف هنری می باشد. قاعدتاً شناسایی کاربرد ها و حیطه تاثیرات هر یک از عرصه های کار هنری و در عین حال امکان رویکرد های سریع و به هنگام به این مهم کمک زیادی می کند.

این عرصه ها غالباً عبارتند از:



هدف از تبیین هنر استراتژیک، استراتژی هنری چیست؟

دانایی نسبت به دانش های نو بنیاد در عرصه زندگی بشر کنونی، توانایی نسبت به حل مشکلات جوامع و همچنین رسوخ افکار و اندیشه های یکدیگر را به همراه دارد.

این مهم در ارکان زیر خلاصه می شود.

